

The indexes of good governance and good citizenship with the emphasis on the role of different ethnicities

Abstract

The development of a country is not achieved solely on the basis of civil and authoritarian mechanisms, but in order to achieve sustainable development and security, a government must be accountable for its actions and there must be a dynamic relationship between citizen participation and government accountability. Among these, attention to the issue of ethnic identity is one of the factors influencing good governance and government-citizen interactions. Therefore, the purpose of this study is to investigate and compare the effect of good citizenship dimensions on good governance among different ethnicities using structural equation modeling. This research is fundamental and applied in terms of purpose and is correlated in terms of type of implementation and based on field observations. Dimensions and indicators of good governance and good citizenship are measured by a researcher-made questionnaire and the statistical population includes all Iranian citizens at the time of the research, which is divided into six main subgroups (Persian, Baluch, Turkish, Arab, Kurdish and Lor) indicating different ethnicities. And a total of 1832 Iranian citizens participated in the sample. The results showed that a justice-oriented, responsible, ethical and entrepreneurial citizen from the dimensions of good citizenship has a significant effect on the perception of the quality of good governance and different ethnicities have a moderating effect in these relationships, so that in Lor people the impact of justice-oriented citizen dimension. Perception of the quality of cooperation is greater and in the Baloch people this effect is less than other ethnicities.

Key words: good governance, good citizenship, ethnicities, Perception of the quality of cooperation

شاخص‌های حکمرانی خوب و شهروندی خوب با تاکید بر نقش قومیت‌های مختلفروح اله جزینی درچه^۱علیرضا منظری توکلی^۲مسعود پورکیانی^۳سنجر سلاجقه^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

چکیده

توسعه یک کشور صرفاً بر اساس ساز و کارهای مکانیکی و اقتدارآمیز حاصل نمی‌شود، بلکه برای حصول توسعه و امنیت پایدار، یک دولت باید نسبت به اعمالش پاسخگو باشد و ارتباط پویا بین مشارکت شهروندان و پاسخگویی حکومت وجود داشته باشد. در این میان توجه به مسئله هویت قومی، از جمله عوامل تأثیرگذار در حکمرانی خوب و تعاملات حکومت و شهروندان است. از این رو هدف این مطالعه بررسی و مقایسه تأثیر ابعاد شهروندی خوب بر حکمرانی خوب در میان قومیت‌های مختلف با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری است. نتایج پژوهش نشان داد شهروند عدالت محور، مسئولیت پذیر، اخلاق مدار و کارآفرین از ابعاد شهروندی خوب بر ادراک از کیفیت حکمرانی خوب تأثیر معناداری دارد و قومیت‌های مختلف نقش تعدیل‌کنندگی در این رابطه‌ها دارند، بطوری که در قوم لر میزان تأثیر بعد شهروند عدالت محور بر ادراک از کیفیت حکمرانی بیشتر و در قوم بلوچ این تأثیر، کمتر از دیگر قومیت‌ها است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی خوب، شهروندی خوب، قومیت‌ها

^۱ دانشجوی دکتری، مدیریت دولتی گرایش خط مشی گذاری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. jazini73@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول) a.manzari@iauk.ac.ir

^۳ استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. pourkiani@iauk.ac.ir

^۴ استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. s.salajeghe@iauk.ac.ir

جهان امروز با چالش‌هایی مواجه است که ناشی از دگرگونی‌های حاصل از پیشرفت علم و صنعت و طرح نیازهای جدید سازمانی و اجتماعی است. در جهان متحول امروز، دولت‌ها به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جدید نخواهند بود. این مهم نیازمند الگوهای جدیدی است که بتوان از همه ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی استفاده نمود، تا تولید و ارائه خدمات عمومی را حداکثر ساخت. از این جهت موضوع حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار جامعه مدنی از جایگاه خاصی برخوردار است.

حکمرانی در دهه ۱۹۸۰ به معنایی متمایز از دولت به کار گرفته شده است. در واقع حکمرانی فرایند مدیریتی برای تصمیم‌گیری در حوزه‌های عمومی و خصوصی می باشد که تأکید آن بر تصمیماتی است که امکان تأثیرگذاری بر عملکرد اقتصادی کشورها را فراهم می‌سازد و به چیزی فراتر از حکومت (دولت) اشاره دارد. بانک جهانی شش شاخص مشارکت، حاکمیت قانون، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، توجه به آرای عمومی و توافق جمعی، برابری، اثربخشی و کارایی، را بعنوان شاخص‌ها و ابعاد حکمرانی خوب در نظر گرفته است (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳). به عبارت دیگر از ملزومات حکمرانی خوب این است که یک دولت نسبت به اعمالش پاسخگو باشد و ارتباط پویا بین مشارکت شهروندان در تعیین مقدرات خود و پاسخگویی حکومت و نهایتاً رضایتمندی شهروندان و کارآمدی تصمیمات حکومتی وجود داشته باشد.

حکمرانی به نحوه و چگونگی ارتباط بین شهروندان و حکومت می‌پردازد. شهروندی از جمله مفاهیم نویی می باشد که به طور ویژه به برابری و عدالت اشاره و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی نیز جایگاهی دارد. شهروند، فردی است که در مقابل حاکمان شهری، هم حق دارد و هم تکلیف؛ بدین معنا که شهروندان نه تنها نسبت به حاکمیت دارای تکالیفی هستند بلکه نسبت به سایر شهروندان نیز دارای حقوق و تکالیف متقابلی هستند که از سوی حاکمیت مشخص شده است (خادم‌الحسینی و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین قابل توجه است که حقوق شهروندی شهروندان بر تکالیف آنان برتری ندارد بلکه ممکن است در شرایط اضطراری، تعهداتشان بر حقوقشان مقدم شود، زیرا حقوق شهروندی به عنوان نماد «هویت» پیوند دهنده اعضای آن جامعه محسوب می‌شود نه اینکه فقط حقی یک طرفه از سوی شهروندان نسبت به حاکمیت باشد (جاوید و شفیع زاده، ۱۳۹۳).

سیرز و وون^۱ (۲۰۰۵) ویژگیهای شهروند خوب را شامل، داشتن عقاید مستقل، مسئولیت‌پذیری، گوش دادن سازنده به دیگران، بیان عقاید و ایده‌ها و احترام به تفاوت‌ها و تضادها برشمردند (غضنفری، ۱۳۹۰: ۱۲۰). شهروندی مفهومی است که با فرهنگ هر جامعه گره خورده و از آنجایی که فرهنگ هر جامعه‌ای بسته به فعالیت‌های اجتماعی، فضای سیاسی و وضعیت اقتصادی کاملاً منحصر به فرد می باشد هر فرهنگ شهروند ویژه خود را می‌طلبد (Kennedy, 1998). از طرفی در هر جامعه‌ای، اقوام مختلفی با فرهنگ‌های مختلف وجود دارد. به عبارت دیگر توجه به مسئله هویت قومی و ملی شهروندان، از جمله عوامل تأثیرگذار در حکمرانی خوب، است. جوامعی نظیر ایران برای پایداری و بقا، نیاز به ایجاد حس همبستگی ملی در بین اقوام خود دارد. از جمله اصلی‌ترین اقدامات در این راستا، تدوین و اجرای سیاست‌های قومی است که بتوان

از طریق آنها تعاملات و روابط مناسبی میان اقوام مختلف از یک طرف و بین اقوام و دولت از طرف دیگر برقرار نمود. در این پژوهش به دنبال آن هستیم مقایسه‌ای بین تأثیر ابعاد شهروند خوب بر حکمران خوب و بالعکس در بین قومیت‌های مختلف داشته باشیم. تبیین و مقایسه چنین مسئله‌ای را می‌توان به عنوان الگوی جدیدی برای اداره کشور به حساب آورد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حکمرانی خوب و ابعاد آن

حکمرانی خوب یکی از مباحث بسیار مهم و در عین حال جدید است که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده است که به چیزی فراتر از حکومت (دولت) اشاره دارد. در حکمرانی خوب مفهومی به عنوان «جامعه عالی‌تر» وجود دارد که منظور از آن، حرکت به سمت دولت‌های رفاهی می‌باشد. دولت‌هایی که بتوانند خدمات عمومی به شهروندان را افزایش دهند و رضایت شهروندان از این خدمات را به ارمغان بیاورند (صرافی و عبدالهی، ۱۳۸۷: ۱۵). حکمرانی، مفهوم جدیدی است که جایگزین حکومت شده است. از اینرو تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر و کلان‌شهرها با اجماع صاحبان منافع صورت می‌گیرد (جعفری صمیمی و کاویان تلوری، ۱۳۹۴).

پیام اصلی حکمرانی خوب، این است که توسعه و امنیت یک کشور صرفاً بر اساس ساز و کارهای مکانیکی و اقتدارآمیز حاصل نمی‌شود، بلکه برای حصول توسعه و امنیت پایدار می‌باید فرآیند تصمیم‌گیری در سطوح خرد و کلان کشور منعکس‌کننده اراده ملت باشد. از ملزومات حکمرانی خوب این است که یک دولت نسبت به اعمالش پاسخگو باشد و ارتباط پویا بین مشارکت شهروندان در تعیین مقدرات خود و پاسخگویی حکومت و نهایتاً رضایتمندی شهروندان و کارآمدی تصمیمات حکومتی وجود داشته باشد.

حکمرانی خوب نه تنها روایتی نو از مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، و حاکمیت قانون است. همچنین چارچوبی ایجاد می‌نماید که همه این اهداف و ارزش‌ها در یک جا جمع و اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماع و فرهنگی با محوریت مردم دنبال شود. (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۶). در واقع حکمرانی خوب محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است که هر سه آن‌ها برای توسعه انسان پایدار الزامی می‌باشد. هر یک از سه بخش حکمرانی خوب وظایف مشخصی را بر عهده دارند. از جمله وظایف دولت عبارتند از برقراری حاکمیت قانون، تنظیم استانداردهای اقتصادی و اجتماعی، توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و فیزیکی، برقراری عدالت و تأمین حمایت اجتماعی می‌باشد. همچنین وظایف جامعه مدنی شامل سازمان‌دهی و آموزش جوامع محلی، بسیج شهروندان برای مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی، تسهیل نمودن تعاملات سیاسی و اجتماعی، و کارکردهای نظارتی است و بخش خصوصی موظف به ایجاد اشتغال و درآمد، تولید و تجارت، توسعه منابع انسانی و ارائه خدمات، تعیین و ارتقای دائمی استانداردهای شرکتی می‌باشد (Knoll & Zloczysti, 2011).

ریتر^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان "سرمایه اجتماعی عامل مؤثر برای حکمرانی خوب" به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که، سرمایه اجتماعی را می‌توان یکی از عوامل مؤثر بر حکمرانی خوب نیز دانست.

شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی^۱ (۲۰۱۵) عبارتند از: کنترل فساد^۲؛ اثربخشی دولت^۳، ثبات سیاسی و مقابله با خشونت^۴، کیفیت قوانین و مقررات^۵، حاکمیت قانون^۶، حق اظهار نظر و پاسخگویی^۷ (Kaufmann & Kraay, 2017).

در پژوهش حاضر نیز شاخص‌های حکمرانی خوب بر اساس شش شاخص بانک جهانی (۲۰۱۵) به رهبری کافمن استخراج گردیده است که عبارتند از.

پاسخ‌گویی و حق اظهار نظر: پاسخگویی، یعنی اینکه مقامات ملزم هستند بر اساس قدرت و وظایفشان به ذینفعان پاسخ دهند، بر مبنای انتقادات و الزامات عمل نمایند و مسئولیت شکست و یا هر گونه نقصی را بپذیرند (Political Stability and Absence of Violence, 2009). پاسخگویی را می‌توان دارای دو بعد دانست: جوابگویی^۸ و قابلیت مجازات^۹ (انیل^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۷). برای برخورداری از پاسخگویی واقعی، باید هر دو بعد وجود داشته باشد (گوتز و جنکینز^{۱۱}، ۲۰۰۵). این شاخص بیانگر میزان هر گونه آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکل‌ها، و آزادی رسانه‌های جمعی می‌باشد. براساس این شاخص هر چه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین حاکمان داشته باشند، حضور و نقش احزاب و انجمن‌ها در جامعه بیشتر باشد، و رسانه‌های جمعی بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را بیان کنند، نشان‌دهنده وضعیت بهتری از حکمرانی خوب است (نادری، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش موسی خانی و همکاران (۱۳۹۷) حاکی از این است که ایران در آینده نزدیک با مشکل پاسخگویی در کشور مواجه خواهد بود و همچنین نیاز به تمرکز بر روی دو شاخص حاکمیت قانون و فساد را دارد.

ثبات سیاسی و نبود خشونت: این شاخص بیانگر آن است که چه میزان احتمال دارد یک حکومت از راه‌های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی باشد. براساس این شاخص، هر چه احتمال فقدان ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و هر چه کشوری ثبات سیاسی بالاتری داشته باشد امتیاز بیشتری در زمینه حکمرانی خوب کسب می‌کند (صدرایی، ۱۳۹۶).

اثربخشی دولت: بیانگر کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله است که شاخص مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی است (بانک جهانی^{۱۲}، ۲۰۱۲). شاخص اثربخشی دولت از طریق شاخص‌های مرتبطی همچون چگونگی بوروکراسی، میزان تعهد دولت در اجرای سیاست‌ها، سطح تشریفات اداری، کیفیت خدمات عمومی و عدم وابستگی آنها به فشارهای سیاسی سنجیده می‌شود. در نتیجه هر چه کیفیت خدمات عمومی بالاتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌های سیاسی وضع و اجرا گردد و تعهد نظام سیاسی در قبال آنها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت مطلوب در حکمرانی خوب است.

1. World Bank
2. Control of Corruption
3. Government Effectiveness
4. Political Stability and Absence of Violence
5. Regulatory Quality
6. Rule of Law
7. Voice & Accountability
8. Answerability
9. Enforceability
10. O'neil et al
11. Goets & Jenkins
12. World Bank

کیفیت تنظیم‌کنندگی: این شاخص بر شفافیت و سیاست‌های سازگار در بازار تأکید دارد؛ به گونه‌ای که با تدوین و اجرای دقیق مقررات، سبب تشویق فعالان اقتصادی به تولید و بهبود محیط کسب و کار در جامعه می‌گردد و باعث می‌شود بنگاه‌های اقتصادی در فضای مناسب به تولید بپردازند که این منجر به ورود سرمایه‌های داخلی به بازار، افزایش فعالیت‌های تولیدی و کاهش نرخ بیکاری و نابرابری می‌گردد (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷). هرچه دولت بتواند با تدوین و اجرای سیاست‌های مختلف، موجبات توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن بر اداره جامعه را فراهم آورد، شاهد سطح بالاتری از حکمرانی خواهیم بود. نتایج مطالعه پرومبسکی^۱ (۲۰۱۵) نشان داد که بین شفافیت صورت گرفته با درک شهروندان از عملکرد بخش عمومی رابطه‌ای مثبت وجود دارد ولی در طرف مقابل با رضایت شهروندان از ارائه خدمات عمومی رابطه منفی دارد.

حاکمیت قانون: حاکمیت قانون به معنای تبعیت تمامی شهروندان، به ویژه حکمرانان از قانون می‌باشد. بدین گونه باید کلیه اعمال حکومتی در چارچوب قانون قرار گرفته و زمامداران، مسئول و پاسخگوی اعمال خویش باشند (هاشمی، ۱۳۸۴). بنابراین رفتار برابر و بدون تبعیض با کلیه شهروندان در مقابل قانون و وجود تضمین‌های قانون اساسی برای حمایت از حقوق ابتدایی شهروندان از ضروریات می‌باشد. از اینرو می‌توان ادعان نمود حاکمیت قانون، پیوند دهنده‌ی مدیریت و حکمرانی خوب است (سردارنیا، ۱۳۹۱). سامتی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان دادند بین شاخص‌های حکمرانی خوب، شاخص‌های ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات و حاکمیت قانون اثری مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارند. همچنین بورلاکو^۲ (۲۰۱۴) در تحقیقی تحت عنوان "تأثیر حکمرانی خوب بر انتخابات" نشان داد استقرار حکمرانی خوب خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، تأثیر مهمی بر نظام انتخابات دارد.

مهار فساد: به مفهوم ممانعت از بکارگیری قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی است (بانک جهانی، ۲۰۱۲). همچنین بر اساس تعریف برنامه توسعه سازمان ملل متحد، فساد اداری حاصل وجود انحصار قدرت و صلاح‌دید شخصی است که هر چه نقش این دو مولفه درون دولت، سازمان‌ها و تشکیلات دولتی پررنگ‌تر شود، احتمال بروز فساد نیز بیشتر می‌شود. در واقع فساد در بستری که دولت ایجاد کرده، پرورش می‌یابد. مطابق با تعریف این سازمان (۲۰۰۴)، مولفه شفافیت، پاسخگویی و اعتماد، به عنوان عوامل تعدیل‌کننده انحصار قدرت و صلاح‌دید شخصی و در نتیجه کاهش فساد اداری محسوب می‌شوند. باید توجه داشت تمرکز جامع در مورد اینکه چگونه فساد ممکن است ظهور، پرورش، افزایش و یا کاهش یابد، چشم اندازه‌های نظری و عملی فساد را روشن کند (بلایند^۳، ۲۰۱۴: ۱۰۷). این شاخص، در برگیرنده فسادهای جزئی و کلان می‌باشد. براساس این شاخص هرچه نظام سیاسی و دولت در تسخیر نخبگان و در خدمت منافع خصوصی باشد، حاکی از حکمرانی ضعیف و عکس آن نشان از رتبه بالایی از حکمرانی خوب است (نادری، ۱۳۹۰). پارک و بلنکینسوپ^۴ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان "نقش شفافیت و اعتماد در ارتباط بین فساد و رضایت شهروندان نشان داد ارتباط بین فساد و رضایت شهروندان به وسیله شفافیت و به خصوص با میانجی‌گری اعتماد، تعدیل یافته است.

1. Porumbescu

2. Burlacu

3. Blind

4. Park & Blenkinsopp

شهروند فردی است که اهل یک شهر و یا کشور می باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار است. شهروندی از طریق احترام به حقوق دیگران و عمل به مسئولیت های خود در برابر شهر و اجتماع، به شهروندی ارتقا می یابد. از نظر تونی بلر^۱، با اتکاء بر افکار برنارد کوک^۲، شهروند خوب فردی است که مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی داشته باشد و در امور اجتماعی مشارکت نماید و دارای سواد سیاسی باشد. (فتحی و اجارگا و همکاران، ۱۳۹۲).

شهروندی وقتی محقق می گردد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و نیز از حیث اقتصادی و اجتماعی به فرصت های مورد نظر زندگی دسترسی آسان داشته باشند (محمدزاده، ۱۳۹۶). ایران باستان پایه گذار حقوق شهروندی در جهان است و منشور صادر شده از سوی کوروش پادشاه هخامنشی، بسیاری مبانی و مبادی اولیه ی حقوق بشر و شهروندی را مورد تأکید قرار داده است. با توجه به اینکه شاخص های شهروندی خوب در هیچ یک از منابع بصورت انسجام یافته و یکپارچه مشخص نگردیده است در پژوهش حاضر این شاخص ها بر اساس نظر خبرگان رشته مدیریت و علوم سیاسی استخراج گردید. روش انتخاب این کارشناسان براساس نمونه گیری هدفمند بوده است که تعداد ۲۴ نفر از خبرگان برای انجام مصاحبه انتخاب شدند. نتایجی که از مصاحبه حاصل شد در تدقیق، تکمیل و بومی سازی معیارها و شاخص های مورد نظر به کار رفته است. بدین صورت که برخی از شاخص های ناسازگار با نمونه ایران حذف شده و برخی شاخص ها که برآمده از نظریات خبرگان بود، اضافه شد. بدین ترتیب معیارها و شاخص های مطلوب شهروندی خوب به شرح ذیل نهایی گردید:

احساس مسئولیت فردی^۳: مسئولیت فردی به این معناست که فرد خود را در برابر خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و همچنین نیازها و بهروزی دیگران مسئول بداند (Mergler & et al, 2007). مسئولیت به تنهایی اشاره به حس وظیفه شناسی، پاسخگو بودن و تعهد دارد (Allen, 2010).

چنین شهروندی یاد گرفته است در جامعه رفتار مسئولانه ای داشته باشد. به طور کلی پیرو قوانین جامعه است. چنین شهروندی، به طور خودجوش به فقرا کمک می کند و بدون تردید داوطلب انجام کارهای عام المنفعه می شود. معمولاً در بیشتر جوامع برنامه های آموزشی ترتیب می دهند تا شهروندان خود را به داشتن این نوع احساس مسئولیت تشویق کنند.

شهروند مشارکتی^۴: منظور از شهروند مشارکتی، فردی است دارای اختیار و حق مشارکت و در مقایسه با شهروند منفعل ملزم و متعهد به انجام تکالیف و وظایف خویش می باشد (جعفری، ۱۳۹۵). شyam سینگ^۵ (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان "مشارکت شهروندان در امور شهری و تلاش برای شفافیت و پاسخگویی" بیان می کند که شهرنشینی در حال رشد نه تنها اقتصاد کشور هند را تحت تاثیر قرار داد بلکه چالش های حکومت را پیچیده کرد. یکی از راه حلها غیرمتمرکز کردن حکومت است که در آن شهروندان باید سهم عمده ای در تصمیم گیری در مورد این که چگونه باید شهرستانها مدیریت شوند، دارند. قلی پور و عبادی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان "شناسایی عوامل موثر بر شکل گیری شبکه های سیاسی در جهت

1 - Tony blair

2 - Bernard Kuk

3. Personal Responsibility

4. Participating Citizen

5. Singh shyam

حکمرانی خوب" نشان دادند مهمترین عامل اثرگذار در نظر شهروندان برای افزایش حضور در شبکه های سیاسی توسعه شبکه های اجتماعی است که می تواند حضور فعالتر در عرصه های سیاسی را در آنان نهادینه سازد.

شهروند اخلاق مدار: همان تعهد شهروندان به نظم عمومی، قانونگرایی، احساس مسئولیت مشترک در قبال ناملازمات اجتماعی و فردی، احترام به هنجارهای اجتماعی عمومی در محیط زندگی و فرهنگی می باشد (شیانی، ۱۳۹۴). فاطمی نیا (۱۳۸۶) در تحقیقی نشان داد، شهروندی و فرهنگ شهروندی محصول تعهد و مسئولیت پذیری افراد مختلف جامعه می باشد که برای تحقق آن نیازمند یک حرکت دو سویه هستیم، یکی از بالا به پایین که همان فرصت دهی و مشارکت جویی ساختار کلان می باشد و دیگری حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت و فعالیت اجتماعی شهروندان برای حضور در عرصه های مختلف جامعه است. همچنین نتایج نشان داد، نقش شهروندان و انجام تعهدات شهروندی در توسعه فرهنگ شهروندی بسیار حایز اهمیت است زیرا که شهروندان عناصر شناور و پویای جامعه محسوب می شوند و در عرصه های مختلف جامعه حضور دارند.

شهروند قانون مند: میزان پذیرش قانون یا عدم گریز از آن و پایبندی و دلبستگی افراد جامعه به قوانین و اجرای صحیح آنها را شهروند قانونمند می نامند (حقیقتیان، ۱۳۹۱). قانون مندی عاملی است که زمینه انسجام و یگانگی میان افراد جامعه را فراهم می سازد.

شهروند مولد و کار آفرین: شهروند کارآفرین کسی است که نوآوری خاص داشته باشد. کارآفرینان در واقع به تغییر به عنوان مقوله تعیین کننده می نگرند، آنها ارزش ها را تغییر می دهند و ماهیت آنها را دچار تحول می کنند.

شهروند عدالت محور: عدالت کلمه ای فراگیر و گسترده است و شئون مختلف آدمی را در بعد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فردی و... در بر می گیرد و همه انسانها در همه ادوار به دنبال آن بوده و هستند (شرفی و شریف طاهرپور، ۱۳۸۷).

با توجه به تعاریف انجام شده، فرضیه ها به صورت زیر تدوین می شود:

فرضیه اول: ابعاد شهروندی خوب بر حکمرانی خوب تأثیر گذار است.

فرضیه دوم: آیا متغیر قومیت می تواند رابطه بین ابعاد شهروندی خوب بر حکمرانی خوب را تعدیل کند. حافظ نیا (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "سیاست دولت و مناسبت های بین قومی" نشان داد سیاست های دولت از یک سو باعث ایجاد رابطه بدبینانه بین سیستانی ها و بلوچ ها شده و از سوی دیگر به واگرایی بین قوم بلوچ و دولت مرکزی کمک کرده است.

روش شناسی

از آنجایی که این پژوهش به دست یابی رابطه ابعاد حکمرانی خوب و ابعاد شهروندی خوب می پردازد و طرحی جدید از رابطه ایجاد می نماید و درصدد توسعه مجموعه دانسته های موجود در خصوص رابطه بین

1. Ethnic Citizen
2. Legitimate Citizen
3. Entrepreneur Citizen
4. Justice-centered Citizen

این ابعاد در بین قومیت‌های مختلف است، بر حسب هدف، یک پژوهش بنیادی است و چون نتایج بدست آمده می‌تواند برای دولت و شهروندان قابلیت بکارگیری داشته باشد، یک پژوهش کاربردی است. روش تحقیق در این مطالعه از حیث نوع اجرا، یک تحقیق همبستگی و بر پایه مشاهدات میدانی است. در این پژوهش ابعاد و شاخص‌های حکمرانی خوب و شهروندی خوب توسط پرسشنامه محقق ساخته اندازه‌گیری شده است. متغیرها با استفاده از سنج‌های محقق ساخته بر مبنای مطالعات پیشین اندازه‌گیری شده است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش از دو پرسشنامه شهروندی خوب با ۶ سازه پنج‌گویه‌ای با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (شهروند عدالت محور، شهروند مشارکت محور، شهروند مسئولیت پذیر، شهروند اخلاق مدار، شهروند کار آفرین، شهروند قانون مدار) و پرسشنامه حکمرانی خوب با ۶ سازه (پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، اثربخشی، کیفیت تنظیم‌کنندگی، مهار فساد) با همان ویژگی‌ها استفاده شد. رویی صوری و محتوایی پرسشنامه نهایی پس از بررسی صاحب نظران مدیریت به تأیید رسید. مقدار آلفای کرونباخ برای پرسشنامه شهروندی خوب ۰/۸۸۴ و برای پرسشنامه حکمرانی خوب ۰/۹۴۳ بدست آمد. همچنین مقدار آلفای کرونباخ برای هر یک از سازه‌های هر دو پرسشنامه بالای ۰/۷ بدست آمد. بنابراین می‌توان گفت در مجموع پرسشنامه‌های مورد استفاده از دقت اندازه‌گیری مطلوبی برخوردار بوده‌اند.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان ایرانی در زمان انجام پژوهش است. به منظور دستیابی به نمونه مورد نیاز در اجرای این پژوهش جامعه به شش زیر گروه اصلی (فارس، بلوچ، ترک، عرب، کرد و لر) که نشان‌دهنده قومیت‌های مختلف است تقسیم شدند. با استفاده از نمونه مقدماتی گرفته شده برای دستیابی به اهداف پژوهش مطابق با بررسی اثر تعدیل‌کنندگی قومیت در مدل رگرسیونی، در مجموع حداقل به ۲۱۰۰ نفر نیاز بود. مطابق با تخصیص متناسب با جمعیت در هر قومیت حداقل به ۳۵۰ نفر نیاز بود که در نهایت با توجه به مسائل و مشکلات موجود، در مجموع ۱۸۳۲ نفر (در بعضی قومیت‌ها اندکی کمتر یا بیشتر) از شهروندان ایرانی در نمونه شرکت داده شدند. برای بررسی فرضیات پژوهش از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. مدل‌های طراحی شده در پژوهش حاضر توسط نرم افزار AMOS۲۴ مورد آزمون قرار گرفت.

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

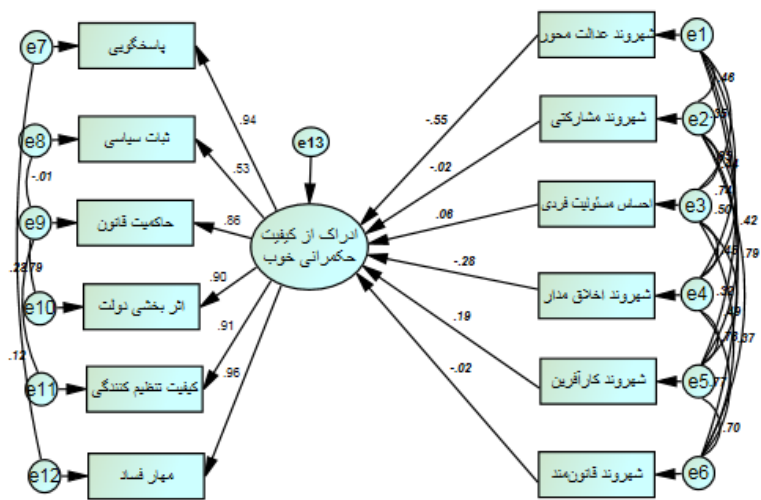
مشخصات جمعیت شناختی: از نمونه آماری ۱۸۳۲ نفره شرکت‌کننده در پژوهش بیشتر افراد یعنی ۶۲/۳ درصد آن‌ها را مردان و ۳۷/۷ درصد آن‌ها را زنان تشکیل داده‌اند. هم‌چنین در نمونه مورد مطالعه از لحاظ سن بیشترین آن‌ها یعنی در حدود ۴۵/۴ درصد در رده سنی ۲۶ تا ۳۵ بوده و و کمترین آن‌ها یعنی حدود ۱۰/۷ درصد بالای ۴۶ سال داشته‌اند. ۱۵/۲ درصد افراد در رده سنی ۱۸ تا ۲۵ سال و ۲۸/۷ درصد افراد بین سنین ۳۶ تا ۴۵ سال سن داشته‌اند. از نظر مدرک تحصیلی نیز می‌توان گفت در نمونه مورد مطالعه ۱۹/۴ درصد دارای مدرک دیپلم و پایین‌تر، ۵۴/۶ درصد دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم و لیسانس، ۱۹/۴ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و دکتری و مابقی دانشجوی بوده‌اند.

نتایج تحلیل‌های آماری:

برای بررسی فرضیات پژوهش از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. اگر برآزش مدلی که ترسیم می‌گردد، توسط شاخص‌های برآزش مدل تأیید شود، از آن نمودار می‌توان برای آزمون فرضیات،

در مورد وجود رابطه‌ی علی بین متغیرهای موجود در نمودار مسیر استفاده نمود. با توجه به مبانی نظری و فرضیات پژوهش به منظور پاسخگویی به فرضیات پژوهش دو مدل مفهومی ترسیم و برازش داده شد. مدل‌های طراحی شده در پژوهش حاضر توسط نرم افزار AMOS 24 مورد آزمون قرار گرفت.

به منظور دستیابی به رابطه بین ابعاد شهروندی خوب (شهروند عدالت محور، شهروند مشارکت محور، شهروند مسئولیت پذیر، شهروند اخلاق مدار، شهروند کار افرین، شهروند قانون مدار) با حکمرانی خوب جهت بررسی فرضیه اول پژوهش مدل شکل ۱ برازش داده شده است. به منظور بررسی برازش مطلوب الگوی معادلات ساختاری ترسیم شده از سه نوع شاخص تطبیقی، مقتصد و مطلق استفاده شده است مقادیر مطلوب شاخص‌های مطلق نیکویی برازش و شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI, GFI) و شاخص تطبیقی برازش بتلر- بنت (NFI) بین ۰/۹ تا ۱ می‌باشد که برای مدل ترسیم شده به ترتیب برابر ۰/۹۴۸، ۰/۸۸۵، ۰/۹۶۳ به دست آمده که مقادیر مناسبی محسوب می‌شود. شاخص‌های برازش هنجار شده مقتصد و تطبیقی مقتصد (PCFI و PNFI) نیز به ترتیب برابر ۰/۵۱۱ و ۰/۵۱۴ هر دو مقادیر قابل قبولی را نشان می‌دهند و مقادیر هر یک از این شاخص‌ها در فاصله‌ی ۱-۰/۵ قرار گرفته است. همچنین شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز ۰/۳۵ بدست آمده است که در محدوده‌ی مطلوب کمتر از ۰/۰۸ قرار گرفته و نشان از تناسب مدل برازش دارد. همچنین مقدار کای دو به هنجار شده مدل (CMIN/DF) نیز مقدار ۵/۵۵۴ بوده که مقدار مطلوبی را نشان می‌دهد. بنابراین در مجموع شاخص‌های برازش در محدوده‌ی مطلوب بوده و نشان از برازش مناسب مدل مورد نظر بوده و همین مساله پاسخگویی به فرضیات پژوهش با استفاده از مدل ترسیم شده را امکان پذیر می‌کند.



شکل ۱. مدل معادلات ساختاری ارتباط بین ابعاد شهروندی خوب (شهروند عدالت محور، شهروند مشارکت محور، شهروند مسئولیت پذیر، شهروند اخلاق مدار، شهروند کار افرین، شهروند قانون مدار) و حکمرانی خوب

در مدل ساختاری ترسیم شده تمامی سازه‌های در نظر گرفته شده برای متغیر حکمرانی خوب دارای بار عاملی معنادار بوده ($p < 0/05$, $t > 1/96$) و نشان از روایی سازه و تایید بخش اندازه گیری مدل مورد نظر است.

مطابق با مدل ساختاری ترسیم شده، نتایج جدول ۳ در پاسخگویی به فرضیات پژوهش بیان می‌کند که در سطح خطای ۰/۰۵ متغیرهای شهروند عدالت محور و شهروند اخلاق مدار تأثیر معنادار و منفی بر حکمرانی خوب دارند. شهروند مسئولیت پذیر و شهروند کارآفرین تأثیر مثبت و معنادار بر حکمرانی خوب دارند و تأثیر شهروند مشارکت پذیر و قانون مدار بر روی حکمرانی خوب معنادار نمی باشد. در مجموع بیشترین تأثیر مربوط به شهروند عدالت محور می‌باشد.

جدول ۱. یافته‌های به دست آمده از مدل معادلات ساختاری در مورد فرضیه اول پژوهش

مسیر (فرضیه)	ضریب مسیر	نسبت بحرانی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
شهروند عدالت محور <----> حکمرانی خوب	-۰/۵۵۴	-۱۴/۶۲۱	*۰/۰۰۰۱	تایید (تأثیر منفی)
شهروند مشارکت محور <----> حکمرانی خوب	-۰/۰۱۸	-۰/۸۳۴	۰/۴۰۴	رد (تأثیر منفی)
شهروند مسئولیت‌پذیر <----> حکمرانی خوب	۰/۰۶۱	۲/۹۵۵	*۰/۰۰۰۳	تایید (تأثیر مثبت)
شهروند اخلاق مدار <----> حکمرانی خوب	-۰/۲۷۹	-۷/۲۷۳	*۰/۰۰۰۱	تایید (تأثیر منفی)
شهروند کار آفرین <----> حکمرانی خوب	۰/۱۹۳	۶/۷۵۱	*۰/۰۰۰۱	تایید (تأثیر مثبت)
شهروند قانون مدار <----> حکمرانی خوب	-۰/۰۲۰	-۰/۶۶۲	۰/۵۰۸	رد (تأثیر منفی)

علامت * به منزله معناداری در سطح ۰/۰۵ می‌باشد.

جهت پاسخ به فرضیه اول و به منظور بررسی نقش تعدیل‌کنندگی قومیت‌های مختلف بر روی تأثیر ابعاد شهروندی خوب بر روی حکمرانی خوب و مقایسه این روابط در قومیت‌های مختلف از تحلیل چند گروهی استفاده شده است. به همین منظور ابتدا برازش مدل در قومیت‌های مختلف بررسی و شاخص‌های برازش مورد تایید قرار گرفت. ضرایب مسیر مربوط به فرضیه پژوهش به تفکیک قومیت‌های مختلف در جدول ۲ ارائه شده است. برای مقایسه ضرایب و تعیین نقش تعدیل‌کنندگی قومیت‌های مختلف از فاصله اطمینان بوت استرپ استفاده شده است. مطابق با اطلاعات جدول ۲ می‌توان گفت تأثیر شهروند عدالت محور بر حکمرانی خوب در قومیت‌های بلوچ و عرب مثبت و معنادار، قوم‌های ترک، کرد و لر منفی و معنادار و در قوم فارس تأثیر منفی و غیر معنادار بوده است. در مجموع بیشترین میزان این تأثیر مربوط به قوم لر بوده است. تأثیر شهروند مشارکت محور بر حکمرانی خوب در قوم کرد تأثیر منفی و معنادار، در قومیت‌های فارس، ترک و عرب تأثیر منفی و غیر معنادار و در قومیت‌های بلوچ و لر مثبت و غیر معنادار بوده است و در وجوع بیشترین میزان این تأثیر مربوط به قوم کرد بوده است. تأثیر شهروند مسئولیت پذیر بر حکمرانی خوب در قوم ترک و

کرد مثبت و معنادار، قوم عرب منفی و معنادار، فارس و لر مثبت و غیر معنادار و در قوم بلوچ منفی و غیر معنادار بوده است و بیشترین میزان این تأثیر مربوط به قوم کرد بوده است. تأثیر شهروند اخلاق مدار بر حکمرانی خوب در قوم ترک، عرب، کرد و لر منفی و معنادار، در قوم فارس منفی و غیر معنادار و در قوم بلوچ مثبت و غیر معنادار بوده است و بیشترین میزان این تأثیر مربوط به قوم کرد بوده است. تأثیر شهروند کارآفرین بر حکمرانی خوب در قوم فارس، بلوچ و کرد مثبت و معنادار، ترک و عرب مثبت و غیر معنادار و در قوم لر منفی و غیر معنادار بوده است و بیشترین میزان این تأثیر در قوم فارس و بلوچ بوده است. تأثیر شهروند قانون مدار بر حکمرانی خوب در قوم کرد منفی و معنادار، در قوم لر مثبت و معنادار و در قوم‌های فارس و بلوچ مثبت و غیر معنادار و در قوم‌های ترک و عرب منفی و غیر معنادار بوده است و بیشترین میزان این تأثیر مربوط به قوم کرد بوده است.

بنابراین به دلیل تفاوت در معناداری و جهت ضرایب مسیر و همچنین عدم همپوشانی فواصل اطمینان بوت استرپ محاسبه شده در بین قومیت‌های مختلف در مورد هر فرضیه می‌توان گفت قومیت نقش تعدیل‌کنندگی در رابطه بین ابعاد شهروندی خوب و حکمرانی خوب ایفا می‌کند.

جدول ۲. یافته‌های به دست آمده از مدل معادلات ساختاری در مورد فرضیه دوم پژوهش

مسیر	قومیت	ضریب	سطح	فاصله اطمینان به ت		نتیجه آزمون
				کران بالا	کران پایین	
شهروند	فارس	-۰/۱۰۴	۰/۰۷۱	-۰/۲۳۱	-۰/۰۰۷	رد (تأثیر منفی)
عدالت محور	بلوچ	۰/۱۷۶	*۰/۰۳۶	۰/۰۴۳	۰/۳۳۴	تایید (تأثیر)
	ترک	-۰/۷۲۱	*۰/۰۱۲	-۰/۸۲۳	-۰/۵۹۸	تایید (تأثیر)
-----<	عرب	۰/۳۶۸	*۰/۰۱۶	۰/۲۲۳	۰/۵۵۶	تایید (تأثیر)
	کرد	-۰/۱۸۲	*۰/۰۰۸	-۰/۲۸۴	-۰/۰۹۰	تایید (تأثیر)
حکمرانی	لر	-۰/۷۴۹	*۰/۰۱۲	-۰/۸۶۰	-۰/۵۹۱	تایید (تأثیر)

ادامه جدول ۲. یافته‌های به دست آمده از مدل معادلات ساختاری در مورد فرضیه چهارم پژوهش

مسیر	قومیت	ضریب	سطح	فاصله اطمینان به ت		نتیجه آزمون
				کران بالا	کران پایین	
شهروند	فارس	-۰/۰۸۸	۰/۱۸۱	-۰/۱۸۳	۰/۰۱۶	رد (تأثیر)
مشارکت محور	بلوچ	۰/۱۰۷	۰/۰۵۸	۰/۰۱۱	۰/۱۹۸	رد (تأثیر)
	ترک	-۰/۰۴۲	۰/۴۰۷	-۰/۱۳۲	۰/۰۴۶	رد (تأثیر)
-----<	عرب	-۰/۱۴۵	۰/۱۳۳	-۰/۲۷۷	۰/۰۱۱	رد (تأثیر)
	کرد	-۰/۱۶۹	*۰/۰۱۰	-۰/۲۲۹	-۰/۰۹۶	تایید (تأثیر)
-----<	لر	۰/۱۱۶	۰/۰۷۰	۰/۰۰۴	۰/۲۲۷	رد (تأثیر)
شهروند	فارس	۰/۰۸۷	۰/۲۸۷	-۰/۰۴۷	۰/۲۰۱	رد (تأثیر)
مسئولیت‌پذیر	بلوچ	-۰/۰۷۵	۰/۱۷۱	-۰/۱۸۴	۰/۰۱۸	رد (تأثیر)
	ترک	۰/۱۲۴	*۰/۰۱۰	۰/۰۶۲	۰/۱۹۱	تایید (تأثیر)
-----<	عرب	-۰/۲۶۵	*۰/۰۱۰	-۰/۴۰۷	-۰/۱۴۹	تایید (تأثیر)
	کرد	۰/۳۰۴	*۰/۰۱۰	۰/۲۴۶	۰/۳۶۴	تایید (تأثیر)
-----<	لر	۰/۰۶۶	۰/۲۸۱	-۰/۰۲۳	۰/۱۴۳	رد (تأثیر)

شهروند	فارس	-۰/۰۲۴	۰/۷۹۶	-۰/۱۳۵	۰/۰۸۹	د (تأثب
اخلاق	بله ح	۰/۰۴۸	۰/۵۳۴	-۰/۰۸۲	۰/۱۹۲	د (تأثب
مدار	تک	-۰/۱۹۰	*۰/۰۱۰	-۰/۳۱۰	-۰/۰۸۹	تاسد (تأثب
-----	عب	-۰/۲۷۳	*۰/۰۳۴	-۰/۴۸۷	-۰/۰۹۲	تاسد (تأثب
-----	کد	-۰/۵۴۹	*۰/۰۱۰	-۰/۶۳۱	-۰/۴۶۰	تاسد (تأثب
-----	ل	-۰/۲۱۸	*۰/۰۱۷	-۰/۳۸۹	۰/۰۶۰	تاسد (تأثب
شهروند	فارس	۰/۳۵۳	*۰/۰۱۰	۰/۲۴۲	۰/۴۳۰	تاسد (تأثب
کار افرین	بله ح	۰/۲۵۸	*۰/۰۱۰	۰/۱۳۱	۰/۳۹۱	تاسد (تأثب
-----	تک	۰/۰۶۶	۰/۰۷۴	۰/۰۰۴	۰/۱۴۶	د (تأثب
-----	عب	۰/۱۲۶	۰/۱۹۶	-۰/۰۵۲	۰/۳۰۰	د (تأثب
حکمرانی	کد	۰/۳۶۴	*۰/۰۱۰	۰/۲۸۴	۰/۴۴۲	تاسد (تأثب
-----	ل	-۰/۰۵۴	۰/۵۲۲	-۰/۲۱۴	۰/۰۷۹	د (تأثب
شهروند	فارس	۰/۰۳۶	۰/۶۶۴	-۰/۰۹۲	۰/۱۳۵	د (تأثب
قانون مدار	بله ح	۰/۰۱۲	۰/۸۷۳	-۰/۱۵۴	۰/۱۷۰	د (تأثب
-----	تک	-۰/۰۴۶	۰/۳۶۵	-۰/۱۲۴	۰/۰۳۱	د (تأثب
-----	عب	-۰/۰۴۴	۰/۵۸۲	-۰/۱۶۱	۰/۰۷۲	د (تأثب
حکمرانی	کد	-۰/۵۶۰	*۰/۰۱۰	-۰/۶۴۶	-۰/۴۷۲	تاسد (تأثب
-----	ل	۰/۱۵۵	*۰/۰۴۸	۰/۰۲۳	۰/۲۸۵	تاسد (تأثب

علامت * به منزله معناداری در سطح ۰/۰۵ می باشد.

بحث و نتیجه گیری

رشد و پیشرفت های فناوری اطلاعات و ارتباطات، بر آگاهی مردم از عملکرد و سیاست های دولتها تأثیر داشته و انتظارات زیاد و قدرت اثر گذاری آنها را به دنبال داشته است. به دنبال آن نحوه استفاده دولت از ابزارها و منابع، موجب کم یا زیاد شدن ادارک آنها از کیفیت حکمرانی می شود. نتایج پژوهش حاضر می تواند برای سیاستمداران، مسئولان سازمان های دولتی پیامدهای مهمی داشته باشد و به توسعه نظری کمک شایانی نماید.

نتایج فرضه اول نشان داد در بین ابعاد شهروندی خوب، شاخص عدالت محوری بیشترین رابطه از نوع معکوس را با ادارک از کیفیت حکمرانی خوب دارد. معکوس بودن رابطه به این معناست که شهروندانی که عدالت محورتر بوده اند، در مقایسه با سایر شهروندان، ادارک پایین تری از کیفیت حکمرانی خوب داشته اند. همچنین نتایج نشان داد شاخص اخلاق مداری رابطه معکوس معناداری با ادارک از کیفیت حکمرانی خوب دارد. وجود رابطه منفی بین دو شاخص مهم عدالت محوری و اخلاق مداری می تواند زنگ خطری برای مسئولین باشد، چرا که شهروندانی که بهره بیشتری از این دو خصیصه مهم و خوب داشته اند، ادارک پایین تری از کیفیت حکمرانی خوب دارند. گمان می رود، اخلاق و عدالت را با زور حکومتی و مداخله دولت در حریم آزادی ها و حقوق فردی نمی توان ایجاد کرد، رفتار اخلاقی تنها برای انسان های آزاد، دارای استقلال رأی و با مسئولیت فردی قابل تصور است. اصول اخلاقی و عدالت ایجاب می کند که همه مردم از حقوق برابر و یکسان برخوردار باشند و امتیاز و تبعیضی در میان نباشد. شهروندانی که در جامعه عدالت محور و اخلاق مدارتر حضور داشته باشند انتظار بیشتری از حکمرانی جهت ایجاد فرصت های برابر و اخلاقی در جامعه دارند و هر چه احساس کنند که حکمرانی در جامعه به این سمت پیش نمی رود، جامعه به سمت

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره نهم، آذر ۱۴۰۱

زوال اخلاقی و نابرابری گام بر می‌دارد و بسیاری از ناظران به این نتیجه رسیده‌اند که رفتارهای اخلاقی و رفتار با عدالت در میان جوامع پیشرفته بیشتر رواج دارد تا در کشورهای دیگر. بنابراین پیشنهاد می‌شود، حکومت‌ها بر اساس اخلاق و عدالت در جامعه رفتار نمایند تا شهروندانی که از این خصیصه مهم برخوردار هستند، ادراک بیشتری از کیفیت حکمرانی خوب داشته باشند.

رابطه مثبت شاخص‌های مسئولیت‌پذیری و کارآفرینی نشان می‌دهد هر چه حکومت‌ها بتوانند بستر مسئولیت‌پذیری عمومی را برای آحاد جامعه فراهم نمایند و همچنین فرصت‌های کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و تولید را برای مردم تسهیل نمایند، شهروندان ادراک بهتری نسبت به کیفیت حکمرانی دارند. اگر دولت‌ها بخواهند حکمرانی خوب ایجاد شود و آینده بهتر فراهم شود و ادراک از کیفیت حکمرانی خوب افزایش یابد، باید از قوائد رفتاری شهروندان تمکین کنند و هر چه بتوانند این قوائد رفتاری را مدیریت و بهینه نمایند، حکمرانی مطلوب را در پی خواهد داشت. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق نیلی و همکاران (۱۳۸۹) همسو است به طوری که آنها در پژوهش خود نشان دادند، حکمرانی خوب سه مؤلفه کلیدی دارد: ۱- تنفیذ حقوق مالکیت برای گستره وسیعی از جامعه به گونه‌ای که افراد مختلف از انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری و نقش‌آفرینی در حیات اقتصادی برخوردار باشند ۲- اعمال محدودیت بر اقدامات نخبگان، سیاستمداران و گروه‌های قدرتمند به گونه‌ای که این طبقات نتوانند درآمد حاصل سرمایه‌گذاری دیگران را تصاحب کنند ۳- وجود فرصت‌های برابر برای گروه‌های مختلف اجتماعی به گونه‌ای که همه آحاد بتوانند سرمایه‌گذاری، بهره‌وری خود را در فعالیت‌های اقتصادی افزایش دهند.

یافته‌های پژوهش در مورد فرضیه دوم نشان می‌دهد ضرایب مسیر بین ابعاد شهروندی خوب و ادراک از کیفیت حکمرانی در فرهنگ‌های قومیتی یکسان نیست و این احساس در میان اقوام متفاوت است، این مساله نقش تعدیل‌گری فرهنگ‌های قومیتی را در تبیین ادراک شهروندان از کیفیت حکمرانی نشان می‌دهد. هر چقدر دامنه و گستره ادراک مشترک بین افراد قومی کشور نسبت به آن جامعه بیشتر باشد آن جامعه از انسجام بیشتری برخوردار خواهد بود. هر چه کشور بتواند ادراک متفاوت از حکمرانی را در گروه‌های قومی کاهش و در مقابل تعلق به ملت واحد و یکپارچه را گسترش دهد، ابعاد شهروندی خوب افزایش یابد و می‌توان گفت کشور در پیشرفت، همبستگی و یکپارچگی ملی موفق‌تر عمل کرده است. بنابراین نیاز است کشور جهت یکپارچگی و انسجام درونی خود به سمت ملی‌گرایی گام بردارد و با ایجاد توسعه متوازن در فرهنگ‌های شهروندی از گسستگی در سطح ملی جلوگیری نماید.

منابع

۱. برادران شرکاء، حمیدرضا، ملک‌الساداتی، سعید. (۱۳۸۷). حکمرانی خوب، کلید توسعه آسیای جنوب غربی. مجله راهبرد. شماره ۴۶.
۲. جاوید محمدجواد، شفیعی زاده خولنجانی مصطفی. (۱۳۹۳). حق بر مصلحت؛ چالشی میان حقوق بشر و حقوق شهروندی. مجلس و راهبرد. دوره ۲۱. شماره ۷۷. صص ۱۰۷-۱۴۰.
۳. جعفری صمیمی، احمد، کاویان تلوری، حامد. (۱۳۹۴). نقش حکمرانی خوب و فساد در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده.

۴. حافظی نیا، محمدرضا، حسینی، سید سلمان، احمدی پور، زهرا. (۱۳۹۲). سیاست دولت و مناسبت های بین قومی (مورد: قوم بلوچ و سیستانی). مدرس علوم انسانی- برنامه ریزی و آمایش فضا. دوره ۱۷ تابستان ۱۳۹۲ شماره ۲ (پیاپی ۸۰).
۵. حقیقتیان، منصور، فرنام، محمد. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی رعایت قوانین شهروندی در بین شهروندان اردبیلی. مطالعات شهری، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۷۱-۲۱۴.
۶. خادم الحسینی، احمد، قدرجانی، راضیه، زاهدی یگانه، امیر. (۱۳۹۱). اداره مردمی شهر و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، مطالعه موردی: منطقه ۱ شهرداری اصفهان. نشریه علمی-پژوهشی آمایش محیط، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۱۹-۱۹۳.
۷. سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون، محسنی، فضیلت. (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی. فصلنامه علمی و پژوهشی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره ۴. صص ۱۸۴-۲۲۳.
۸. سردارنیا، خلیل اله. (۱۳۹۱). شاخص های حکمرانی خوب شهری در چهارچوب نظریه سیستمی، مجموعه مقالات همایش علمی حکمرانی خوب شهری. جلد اول. تهران. تیسرا.
۹. سردارنیا، خلیل اله، شاکری، حمید. (۱۳۹۳). تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا. مجله مطالعات حقوقی. دوره ششم. شماره ۴.
۱۰. شرفی، محمدرضا، شریف طاهرپور، محمد. (۱۳۸۷). نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروندی. ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۵ و ۱۶، صص ۴۲-۶۹.
۱۱. شیانی، ملیحه. (۱۳۹۴). شناخت، توصیف و تحلیل حقوق و تکالیف شهروندان در مدیریت شهری و ارائه راهبردها و راهکارهای ارتقاء آن، پروژه مطالعاتی. تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
۱۲. صانعی، مهدی. (۱۳۸۵). حکمرانی خوب مفهومی نو در مدیریت دولتی. ماهنامه علمی آموزشی تدبیر، سال هفتم، شماره ۱۷۸، صص ۲۷.
۱۳. عبدالهی، مجید، صرافی، مظفر. (۱۳۸۷). تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور. فصل نامه پژوهش های جغرافیایی. شماره ۶۳. صص ۱۱۵-۱۳۴.
۱۴. فاطمی نیا، سیاوش. (۱۳۸۶). فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۳۵-۸۵.
۱۵. فتحی واجارگاه، ک. کشاورز، س. تاجیک اسمعیلی، ع. خسروی، ع. دیبا واجاری، ط. پور صادقی، ح. رحمتی، م. زندیه، گ. (۱۳۹۲). مدرسه زندگی باید در پی تربیت کدام شهروند مطلوب باشد؟. دوفصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی. دوره ۶، شماره ۱۱. صص ۹-۴۴.
۱۶. قلی پور، آرین. عبادی، نغمه. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل موثر بر شکل گیری شبکه های سیاسی در جهت حکمرانی خوب. فصلنامه علوم مدیریت ایران. سال هشتم. شماره ۳۰. صص ۱-۲۶.
۱۷. محمدزاده، ناهید. (۱۳۹۶). زنان و حقوق شهروندی. فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان سال سوم. شماره ۱۰. صص ۷۴-۱۰۷.

۱۸. موسی خانی، مرتضی. افشار کاظمی، محمدعلی. آهنی، منا. (۱۳۹۷). آینده پژوهی حکمرانی خوب در ایران با رویکرد سناریونویسی. فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران. سال سیزدهم. شماره ۵۱. صص ۷۵-۱۰۶.
۱۹. هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی های اساسی. تهران. نشر میزان.
20. Allen, A., and Mintrom, M. (2010). Responsibility and School Governance. *Educational Policy*, 24(3), 439-464.
21. Blind, P. K. (2014). Policy-driven democratization: Geometrical perspectives on transparency, accountability, and corruption. Springer.
22. Burlacu, D. (2014). It's not only the economy, stupid! Good governance matters in elections. *Electoral Studies*, 36, 173-185.
23. Goets, A. M., & Jenkins, R. (2005). *Reinventing Accountability, Making Democracy Work for Human Development*. New York: Palgrave Macmillan.
24. Kaufmann, Daniel; Kraay, Aart. (2017). World Bank: The Worldwide Governance Indicators (WGI), 1996–2016.
25. Kennedy, K.J. (2002). Preparing teachers for the new civics education. In the Asia-Pacific Journal of Teacher *Education*, 1(2), 233-247.
26. Knoll, M., and Zloczysti, P. (2012). The good governance indicators of the millennium challenge account: How many dimensions are really being measured? *World Development*, 40(5), 900-915.
27. Mergler, A., Spencer, F.H and Patton, W.A. (2007). Relationships Between Personal Responsibility, Emotional Inteligence and Self Steem in Adolescents and Young Adults. *The Australian Educational and Developmental Psychologist*, 24(1), 5-18.
28. O'neil, T., Floresti, M., & Hudson, A. (2007). Evaluation of Citizens' Voice & Accountability, Review of the Literature & Donor Approaches Report. London: Department for International Development (DFID).
29. Park, H., and Blenkinsopp, J. (2011). The roles of transparency and trust in the relationship between corruption and citizen satisfaction. *International Review of Administrative Sciences*, 77(2), 254-274.
30. Porumbescu, G.A. (2015). Does transparency improve citizens' perceptions of government performance? Evidence from Seoul, South Korea. *Administration & Society*, 49(3), 443-468.
31. Ritter, T. (2013). Social Capital as a Determinant for Good Governance. An Empirical Analysis of the 27 EU Member State. EGPA Annual Conference. Edinburgh Scotland - UK.
32. Sears, A., & Yvonne, H. (2005). *Citizenship education*. Canadian education association. Retrieved from http://www.cea.ca/media/en/citizenship_education.
33. Singh .sh. (2013). Citizens' Participation in Urban Governance: Quest for Transparency and Accountability. *Environment and Urbanization Asia*, 4(1), 191–202.
34. World Bank Institute. (2012). Governance data: Web-interactive inventory of datasets and empirical tools. Washington, DC. Available at: <http://www.worldbank.org/wbi/governance/govdatasets/index.html>